

## نسرین ابراهیمی

### افسانه رشد سرمایه داری و انحطاط محیط زیست

پرسشی نگران کننده در مقابل سیستم سرمایه داری و جامعه بشری خود نمائی میکند، برای ادامه زندگی بر روی کره زمین به روشی که سرمایه داری با شلاق به پیش می‌تازد چقدر وقت داریم. چقدر دیگر میتوانیم از کره زمین بیرون بکشیم و استخراج کنیم. از نظر اقتصاد دانه‌های عرفی، محیط زیست همچون زیر مجموعه و تابعی از اقتصاد است، حال آنکه نگرش نوین محیط زیستی در همین رابطه، فشاری را که به محیط زیست وارد می‌آید یعنی منابع مصرف شده و مواد زائد ایجاد شده را با میزان زمین قابل دسترس و منابع آب برای رساندن خدمات کلیدی اکوسیستم مقایسه میکند. در همین رابطه بطور متوسط برای نگهداری یک فرد در روی کره زمین حدود 1.8 هکتار لازم است. در کشورهای ثروتمند سرمایه داری بسیار فراتر از این میزان استفاده میشود. کاناداییها 8 هکتار و آمریکاییها بطور متوسط 10 هکتار استفاده میکنند ( اینجا فقط میانگین محاسبه شده، بدون در نظر گرفتن فقیر و غنی)، با این محاسبه آمریکاییها پنج بار بیش از میزان متوسط مصرف میکنند. از سال 1980 عناصر اصلی محیط زیست یعنی جو، خاک، آب و هوا برای حفظ مصرف بیشتر بشدت در حال تخریب است، انبار ذخائر در حال از بین رفتن و گاز کربنیک بیشتر در حال تصاعد است. در سال 1961 حدود نصف ظرفیت بیولوژیکی کره زمین استفاده میشد. در حالیکه تا قبل از سال 2006، حدود 44 درصد بیشتر از ظرفیت موجود کره زمین مصرف شده. ناگل یکی از بنیادگذاران سیستم جدید تجزیه و تحلیل محیط زیست میگوید با وضعیتی که ذخیره های تجدید شندی و غیر قابل تجدید در حال تخلیه هستند، برای حفظ نیازهایمان بهمین شکل موجود تا اواخر سال 2030 احتیاج به معادل دو کره زمین داریم. اگر هر فرد به شیوه آمریکائی مصرف کند به معادل پنج کره زمین نیاز داریم.

سرمایه داری، همانند بنیاد گرایان بر این افسانه و باور است که اقتصاد برای همیشه میتواند رشد کند، هیچ محدودیتی در ثروتی که میتوانیم از منابع زمینی بدست آوریم وجود ندارد. آنچه محرک سیاستهای اقتصادی دولتها در سطح جهانی می باشد، رشد اقتصادی است. رشد مساوی با موفقیت، کامیابی و اشتغال معنی داده است. رشد، پیشرفت ترجمه شده است. تا همین جا هم کالاهای بسیاری تولید میشود که مقدار زیادی از آن غیر لازم و بیفایده است، تولید شتابزده کوهی از اجناس مصرفی غیر ضروری ادامه دارد چرا که برای رشد خوبست بنا به گفته اقتصاد دانه‌های بورژوازی تا آنجائیکه اقتصاد به رشد ادامه دهد همه چیز خوبست! سرمایه داری سود آور وسیکل بی انتهای تولید و مصرف میچرخد. بازار کور، جستجوی بی وقفه و آزمندانه برای سود و انباشت بی پایان، انگیزه این پروسه است.

واقعیت اینست که با عروج سرمایه داری در عصر روشنگری، پیشروی علوم و روش تجربی همراه پیشرفت تکنولوژی که محرک سرمایه داری اولیه بود، رشد اقتصادی با پیشرفت اقتصادی مترادف شد. استعمارگران اروپائی این تفکر را در سراسر جهان گستراندند و بزودی مفهوم توسعه با رقم و اعداد تثبیت شد، از اواخر 1940 با ایجاد سیستم مالی ملی توسط سازمان ملل، تولید ناخالص داخلی (جی دی پی)، محک و معیار موفقیت اقتصادی شد. برای بیشترین مدت در تاریخ انسان رشد اقتصادی فقط به معنی افزایش مختصری در درآمد بود. تنها هشت نسل اخیر ( از 125000 نسل که تخمین زده میشود )، رشد مداوم را تجربه کرده اند. از نظر هر من دالی پدرا اقتصاد سبز، رشد یک حالت انحراف از حالت عادی است. بدن ترتیب رشد هدف سیاستهای دولتی شد، بدون نگرانی در رابطه با نتایج اجتماعی ویا محیط زیستی، بدون در نظر گرفتن وضعیت توده های زحمتکش و نابرابریهای اجتماعی روز افزون. امروزه اسطوره عمیقاً ریشه دار و تقویت شده رشد اقتصادی آنچنان تار و پود جامعه سرمایه داری را در برگرفته که به چالش گرفتن آن شاید سخت تر از زمانی است که 150 سال پیش داروین با نوشتن منشا انواع، در مقابل کلیسای انگلیس و بنیاد گرایان مذهبی مجبور بود بایستد.

اما حقیقت تلخ اینجاست که منابع موجود پایه ای که جهان را قابل زیست میکند یعنی جو، آب و خاک محدود می باشد. سرمایه داری نه تنها این محدودیتها را نادیده میگیرد بلکه فراتر از آن رفته است و در حال آلوده کردن کره زمین با آشغالها و تهدید سیستم طبیعی که بر پایه آن بشریت و همه دیگر انواع وابسته هستند میباشد. ما با سرعت فوقالعاده وحشتناک در حال بلعیدن کمیت عظیمی از منابع چه تجدید شندی و چه غیر قابل تجدید هستیم. ارزیابی دانشمندان در سال 2005 نشان داده است که 60 درصد از خدمات اکوسیستم یعنی چیزی شبیه تعدیل و تنظیم آب و هوا، سیکل آب، گرده افشانی، ماهیگیری جهانی، عملکرد طبیعت با مواد زائد، انحطاط پیدا کرده است. برای مثال سیستم آب و هوا، بوسیه نشر گازهای گلخانه ای، عمدتاً گاز کربنیک محصول جانبی سوخت فسیلی ساخته دست انسان، مورد تهدید قرار گرفته است. بر اساس ارزیابی دانشمندان میزان 350 پاره در میلیون گاز کربنیک ممکن است که مانع تغییرات آب و هوایی خطرناک شود. در حال حاضر به میزان 390 پاره در میلیون گاز به هوا فرستاده میشود و تا قبل از پایان این سده از حد 650 پاره در میلیون هم فراتر میرود. و این به معنی افزایش درجه حرارت کره زمین به حدود 4 درجه سلسیوس است. اگر این پروژه ادامه داشته باشد بخشهای بزرگی از آفریقا، چین، هندوستان و آمریکای لاتین به بیابان یا چیزی شبه آن تبدیل خواهند شد. فعالیت انسان در حال گذاشتن چنان فشار سنگینی بر عملکرد طبیعی زمین است که دانشمندان محیط زیست هشدار میدهند که اکوسیستم زمین توانایی برای حفظ حرص و ولع سرمایه داری را ندارد. فعالین محیط زیست بر این باورند که از این به بعد با نوع دیگری از پناهندگی روبرو میشویم و آن پناهنده محیط زیستی است.

از طرف دیگر سرمایه داری هیاو و جنجال سر میدهد که نبوغ انسان همه چیز را حل خواهد کرد، اقتصاد موضوعی مجزا و جداگانه است و باید حساب آنرا از طبیعت یعنی موادی که در ساختن آن بکار میرود جدا کرد. اما این یعنی ادامه همان پیشرفت ویرانگر و بازار کور، اتلاف هول انگیز منابع توسط سرمایه داری که بر تولید گسترده فرآوردهای بی فایده، ویا زیانبار استوار است مانند صنایع تسلیحاتی، تاسیسات هسته ای، قطع درختان جنگلهای حاره، تولید انبوه صیدماهی که باعث از بین رفتن انواع معینی از موجودات دریایی شده، ادامه استفاده از انرژی فسیلی، تولید بعضی کالاها فقط برای سود شرکتهای بزرگ، انباشت سیری ناپذیر کالاها و خرید جنون آمیز کالاهایی که مدّ تحمیل میکند و این لیست همچنان ادامه خواهد داشت.

شواهد نشان میدهد که بدون یک تغییر ریشه ای و بقول میشل لووی در غیاب یک تحول اکو سوسیالیستی منطق سرمایه داری به خسارتهای فاجعه بار زیست محیطی می انجامد که سلامت و حیات میلیونها انسان و حتی شاید بقای نوع بشر را به مخاطره اندازد. کل نظام تولیدی باید متحول شود و این امر تنها با روشهای اکو سوسیالیستی ( سوسیالیسم زیست محیطی امکان پذیر است). لازم است که یک بدیل متمدانه رادیکال در برابر چیزی که مارکس آنرا پیشرفت ویرانگر سرمایه داری نامیده است بوجود آید. به باور اکونور، هدف از سوسیالیسم زیست محیطی، جامعه نوینی است مبتنی بر عقلانیت زیست- محیطی، کنترل دمکراتیک، برابری اجتماعی و تقدم ارزش مصرف بر ارزش مبادله است. هر چند رویای یک سوسیالیسم سبز داشتن و برای آن مبارزه کردن بدین معنا نیست که بدون داشتن هیچ توهمی به یک سرمایه داری تمیز برای رفرمهای مشخص و فوری مبارزه نکرد. فردا دیر است باید از همین امروز دست به کار شد.

منابع :

2-Global warming and modern capitalism, Gustav Speth

3-What every environment wants to know about capitalism, Fred Magdoff and John Bellamy

Foster, Monthly Review, March 2010

4-[www.footprintnetwork.org](http://www.footprintnetwork.org)

5- Growth is not possible: why rich nations need a new economic direction, NEF, London, 2010.

6- eco- socialism, towards a new civilization, by Michael Lowy